

بمناسبت بزرگداشت از یکصد و یکمین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

به شهادت تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی؛ ولادی میرایلچ (لنین) در رأس کمونیستهای انقلابی روسیه تزاری با مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی نظریات و اصول ضدانقلابی ناردنیکها را در همشکسته و زمینه ایجاد حزب سوسیال دموکرات کارگری مارکسیستی روسیه را در اواخر قرن نوزدهم میلادی آماده ساخت. همچنین رفیق لنین با تعمیق و تداوم مبارزه مبارزه "بین دوخط" ماهیت ضدانقلابی اشکال اپورتونیسیم از جمله منشویکها را افشا کرده و بلشویکها، منشویکها را در کنفرانس پراگ در سال (1912) از حزب اخراج کردند، و حزب بلشویک تا سال (1918) میلادی، حزب سوسیال دموکراتیک کارگری روسیه "بلشویک" نامیده شده و بعد از آن به حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی مسمی گردید. رفیق استالین درباره کنفرانس پراگ چنین می گوید: "این کنفرانس در تاریخ حزب ما دارای بزرگترین اهمیت بود؛ زیرا در میان بلشویکها و منشویکها خط فاصلی قرارداد و در همه ای کشورسازمانهای بلشویکی را بصورت حزب بلشویک واحد در آورد". بعد از اخراج منشویکها و درآمدن بلشویکها بصورت حزب مستقل، حزب بلشویک مستحکم تر و نیرومند تر گردید. لنین می گوید: "حزب باتصفیه ای خود از عناصر اپورتونیستی استحکام می یابد"، چنین بود یکی از شعارهای حزب بلشویک به بعنوان حزبی از طراز نو و از احزاب سوسیال دموکرات انترناسیونال دوم بطور اساسی تفاوت داشت. بلشویکها بر عکس احزاب انترناسیونال دوم، بر ضد اپورتونیستها مبارزه ای آشتی ناپذیر می نمودند، حزب پرولتری را از لوٹ اپورتونیست ها پاک کرده و توانستند حزبی از طراز نوین، حزب لنینی، حزبی که بعداً دیکتاتوری پرولتاریا را بدست آورد، تأسیس نمایند.

مطلب فوق به لحاظ ایدئولوژیک- سیاسی و اصول علم انقلاب پرولتری در تشکیل حزب کمونیست انقلابی و رهبری مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع حایز اهمیت فراوان است. همین موضوع، یعنی مبارزه علیه انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسم و تسلیم طلبی طبقاتی و ملی در جنبش کمونیستی بین المللی خاصاً طی بیش از یکصد سال اخیر از موضوعات مهم در جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان بوده و هست. و تجارب مثبت و منفی مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان، چه در کشورهای که انقلاب پرولتری در آنها به پیروزی رسید و چه احزاب و سازمانهای کمونیست انقلابی دیگر در کشورهای مختلف جهان طی این مدت نشان می دهد که انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسم ضربات سهمگین به انقلابات پرولتری و نظامهای سوسیالیستی و دیکتاتوریهایی پرولتاریا و مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان وارد کرده اند. و بحران عمیق و تشننت و پراکندگی کنونی در جنبشهای کمونیستی انقلابی در کشورهای مختلف جهان و همچنین در سطح جنبش کمونیستی بین المللی، بطور عمده نتیجه ای خرابکاریها و یاتسلط رویزیونیسم و اپورتونیسم در احزاب کمونیست انقلابی می باشد. لنین در پرتو مارکسیسم انقلابی و درک عمیق از ماهیت و خصلت علمی و خلاقیت آن، پیروزی سوسیالیسم در کشورهای روسیه تزاری را منحیث کشوری سرمایه داری و با موجودیت شرایط بد نیمه سرواژ در روابط و مناسبات فئودالی و ده ها میلیون دهقانان خانه خراب و طبقه کارگر به لحاظ کمیت اندک و در عصر امپریالیسم، امکان پذیر می دانست. در حالیکه مارکس نظر داشت که: "سوسیالیسم در کشوری سرمایه داری پیشرفته و یا همزمان در چند کشور سرمایه داری پیشرفته به پیروزی خواهد رسید". در آن شرایط روسیه تزاری با صنایع عقب مانده و اقتصاد ویران به آرزوی بدست آوردن بازارها و سرزمینهای جدید و سرکوب جنبش انقلابی کارگران و دهقانان روسیه وارد جنگ جهانی اول شد. این جنگ امپریالیستی که نتیجه بحران همگانی سرمایه داری جهانی و تشدید تضاد بین قدرتهای سرمایه داری امپریالیستی بر سر تجدید تقسیم جهان و غارت خلقها و ملل بود؛ بحران

را شدت بخشیده و سرمایه داری جهانی را تضعیف نمود. لنین امپراتوری تزار را حلقه ضعیف در زنجیر نظام سرمایه داری جهانی ارزیابی کرد. و پیروزی انقلاب کبیر اکتوبریه و ضوح نشان داد که طبقه کارگر در روسیه تزاری متشکل، نسبتاً آگاه و دارای ستاد انقلابی رهبری کننده، حزب کمونیست (بلشویک) با خط روشن انقلابی بود و در شرایط عینی آماده در جامعه توانست ده ها میلیون تن از توده های دهقان و سایر زحمتکشان را که تحت سلطه تزاریزم از انواع ستم طبقاتی و ملی و شدت استثمار بیرحمانه به ستوه آمده بودند را متحد سازد. **لنین " روسیه تزاری را زندان ملل خواند"** لنین در رأس کمونیستهای انقلابی با تحلیل علمی و دیالکتیکی از اوضاع و شرایط روسیه تزاری و ارزیابی اوضاع و شرایط بین المللی آن زمان، موجودیت بحران سرمایه داری جهانی و وقوع جنگ امپریالیستی، با مبارزات انقلابی شرایط ذهنی را در جامعه آماده کردند. حزب کمونیست (بلشویک) بر رهبری لنین و استالین با اتکاب به مارکسیسم انقلابی مبارزات انقلابی پرولتاریا و دهقانان و سایر زحمتکشان را داهیانیه رهبری کرده و با سرنگونی تزاریزم، بتاريخ 25 اکتوبر سال (1917) میلادی انقلاب سوسیالیستی به پیروزی رسید.

پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و تأسیس نظام سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا دنیا را تکان داده و ناقوس مرگ سرمایه داری جهانی را به صدا در آورد و عصر نوینی را در تاریخ بشر اعلام نمود (عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری). لنین می گوید: **" امپریالیسم آستان انقلاب اجتماعی پرولتاریا است؛ این حقیقت از سال 1917 در مقیاس جهانی تأیید شده است"**. پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر آزادی و دموکراسی واقعی و عدالت و رفاه اجتماعی همگانی را برای خلقهای ملل ساکن در روسیه به ارمغان آورد. پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر الهامبخش جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای رهائیبخش ملی و جنبشهای استقلال طلبانه خلقها و ملل اسیر در سراسر جهان گردیده و کشورشوراها منحصراً پایگاه انقلاب جهانی حامی و پشتیبان جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای آزادی بخش ملی خلقها و ملل تحت ستم در جهان گردید. دولت دیکتاتوری پرولتاریا حق تعیین سرنوشت برای ملل تحت سلطه امپراتوری تزار را تاسرحد جداسدن و تشکیل دولتهای مستقل برسمیت شناخت. کمونیستهای ملل مختلف در طول سالهای موجودیت جنبش انقلابی پرولتری تحت رهبری حزب سوسیال دموکرات کارگری مارکسیستی و بعداً تحت رهبری حزب سوسیال دموکرات کارگری مارکسیستی " بلشویک" مبارزه می کردند. با اعلام حق تعیین سرنوشت ملل از جانب دولت انقلابی پرولتاریا و تشکیل دولتهای مستقل از جانب این ملل؛ کمونیستها بابسج و متحد ساختن کارگران و دهقان و روشنفکران مردمی و کمک و حمایت ارتش سرخ، مبارزه انقلابی را در جهت تشکیل نظامهای انقلابی شورائی به پیش برده و با شکست طبقات و افسار ارتجاعی، دولتهای انقلابی شورائی در این جمهورییت ها تشکیل کردند که با پیروزی انقلاب پرولتری در سرزمینهای همه ملل در روسیه سابق، نخستین کنگره ای همه شوراهای اتحاد شوروی در اواخر سال (1922) منعقد گردید. در این کنگره بنابر پیشنهاد لنین و استالین، با اتحاد داوطلبانه ای ملل شوروی در یک دولت، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برقرار گردید.

پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و بنیان گذاری دیکتاتوری پرولتاریا و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در یک ششم کره زمین و دفاع کارگران و سایر خلقهای زحمتکش از انقلاب اکتوبر و نظام سوسیالیستی در برابر توطئه ها و قیام ضد انقلاب داخلی و تهاجم نظامی چهارده کشور امپریالیستی و فایق آمدن بر ناتوانیها و مشکلات عدیده و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) بر رهبری لنین و استالین خود ثبوتی بر حقانیت مارکسیسم انقلابی و خدمات جاودان رفیق لنین به علم انقلاب پرولتری است که آن را از مارکسیسم به مارکسیسم- لنینیسم تکامل کیفی بخشید. لیکن افراد و عناصری مرتد و ضد انقلابی از تعلق خطوط و احزاب رویزیونیستی و اپورتونیستی گوناگون و دیگر عناصر ارتجاعی خادم سرمایه داری جهانی با انکار صریح از حقانیت پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و ساختمان سوسیالیسم

در اتحاد شوروی، مذبوحانه سعی می کنند تا انقلاب اکتوبر و علم انقلاب پرولتری را «بی اعتبار» ساخته و پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر را در کشوری سرمایه داری با صنایع عقب مانده و با موجودیت شرایط نیمه سرواژ، خلاف نظر مارکس جلوه دهند. بهمین صورت عده ای از این عناصر پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی تحت رهبری حزب کمونیست بر رهبری رفیق مائوتسه دون در چین (در کشوری نیمه فئودالی و نیمه مستعمره و مستعمره - چین آن زمان-) را خلاف نظر مارکس و ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک دانسته و آن را «انقلاب خرده بورژوازی» می خوانند. این قماش عناصر همچین علت اصلی انهدام دیکتاتوری پرولتاریا و سرنگونی نظام سوسیالیستی و احیای سرمایه داری در اتحاد شوروی را نه توسط رویزونیستهای "مدرن" خروشچی در درون حزب و دولت که در پیروزی انقلاب اکتوبر در یک کشور سرمایه داری عقب مانده می دانند. همچین انهدام دیکتاتوری پرولتاریا و سقوط نظام سوسیالیستی و احیای سرمایه داری در چین را که بوسیله ای باند رویزونیست «سه جهانی» بر رهبری دینگ سیائوپنگ صورت گرفت ناشی از ساختار اجتماعی اقتصادی عقب مانده آن زمان کشور چین ارزیابی می کنند. و بهمین ترتیب درباره سقوط دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی در آلبانی توسط دگمارویزونیستهای خوجه ای، چنین نظری ابراز می کنند. این عناصر این ذهنیت و نظر منحط را ترویج و تبلیغ می کنند که چون انقلاب در روسیه تزاری، در چین و سایر کشورهای برخلاف نظر مارکس، یعنی "در پیشرفته ترین کشور سرمایه داری" صورت نگرفته بودند؛ از اینرو انقلابهای سوسیالیستی واقعی نبوده و محکوم به شکست بودند.

با تأسیس اولین دولت دیکتاتوری پرولتاریا و ایجاد نظام سوسیالیستی در جهان؛ مداخلات بیشرمانه و غارتگرانه قدرتهای امپریالیستی و شورشهای ضدانقلاب داخلی به کمک و حمایت همه جانبه آنها در نیمه اول سال 1918 میلادی آغاز گردید. امپریالیستهای انگلستان، فرانسه، جاپان، امریکا و جمعا چهارده کشور امپریالیستی و طبقات ارتجاعی شکست خورده داخلی تهاجم همه جانبه را علیه نظام نوین سوسیالیستی آغاز کردند. اوضاع و شرایط سختی در کشور شوروی بوجود آمد. حزب کمونیست (بلشویک) و دولت دیکتاتوری پرولتاریا اعلام کرد که کشور بمنزله اردوگاه جنگی است و زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را بر پایه جنگ قرار داد. دولت شوروی اعلان کرد که: "میهن سوسیالیستی در خطر است" و خلفها را به مقاومت و مبارزه همه جانبه دعوت نمود. لنین شعار "همه چیز برای جنگ" را داد و صدها هزار تن از کارگران و دهقانان بگونه داوطلبانه به ارتش سرخ پیوسته و روانه جبهات جنگ شدند. حدود نیمی از اعضای حزب و اتحادیه جوانان کمونیست رهسپار جبهه شدند. کارگران و کمونیستهای انقلابی، دهقانان و سایر خلفهای زحمتکش تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) و دولت سوسیالیستی علیه امپریالیستهای غارتگر و متجاوز ارتجاع داخلی فداکارانه و قهرمانانه رزمیده و انقلاب اکتوبر و میهن سوسیالیستی از خطر سرنگونی بوسیله امپریالیستهای متجاوز خارجی و ضدانقلاب داخلی نجات یافت. طی سالهای مبارزه علیه تهاجم امپریالیستهای خارجی و ارتجاع داخلی صدمات اقتصادی و ویرانیهای زیادی بر کشور شوروی وارد آمد. اما با شکست امپریالیستهای خارجی و ضدانقلاب داخلی؛ پرولتاریا، دهقانان و سایر زحمتکشان اتحاد شوروی سوسیالیستی با علاقه فراوان و نیرو و توان هر چه بیشتر در راه ساختمان سوسیالیسم و عمران میهن سوسیالیستی در همه عرصه ها همت گماشته و طی مدت زمان کوتاه کشور عقب مانده روسیه به کشور سوسیالیستی مترقی و پیشرفته مبدل گردیده و خلفهای ملت های ساکن در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به رفاه و آسایش رسیده و از تحصیلات عالی بهره مند شدند.

بعد از مرگ رفیق لنین رفیق استالین در رأس حزب کمونیست (بلشویک) و دولت کشور شوروی قرار گرفت. در این دوره احیای اقتصادی و ساختمان سوسیالیسم و مبارزه برای صنعتی کردن کشور شوروی از وظایف مهم حزب و دولت بود که به پیروزیهای بزرگی دست یافت. اساس صنایع سنگین که توان تجدید و تقویت اقتصاد ملی را داشته باشد، ریخته شد؛ ساختمان عظیم کارخانه ها، ساخوزها و کلخوزهای نوین

توسعه یافتند؛ باحدت مبارزه طبقاتی در جامعه کولاکها (زمینداران متوسط یا بورژوازی دهات) در هم شکسته شده و در درون حزب با تشدید مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی تروتسکیستها و اپورتونیستهای دست راستی از حزب اخراج شدند؛ حزب طبقه کارگر و دهقان را برای انجام نخستین پلان پنج ساله و تجدید ساختمان براساس سوسیالیستی کردن اتحاد شوروی بسیج نمود. در این دوران بزرگترین پیشرفتها در صنایع و کشاورزی و در عرصه های علوم و تکنالوژی نصیب خلقهای اتحاد شوروی گردید.

جنگ جهانی امپریالیستی دوم برای همه ملل و از جمله اتحاد شوروی فاجعه بار بود؛ از آنرو دولت اتحاد شوروی سوسیالیستی لزوماً به تقویت بنیه نظامی و دفاعی اش می کوشید. اتحاد شوروی در پایان سال 1934 میلادی وارد جامعه ملل شد تا از آن طریق اهداف شوم امپریالیستهای متجاوز را افشورسوا سازد. اتحاد شوروی با یکعده کشورها پیمان تعاون متقابل برضد حمله احتمالی امپریالیستهای متجاوز منعقد کرد، تا بالأخره در سال 1941 فاشیستهای جنایتکار و غارتگر آلمان به اتحاد شوروی حمله کردند. کارگران، دهقانان و سربازان ارتش سرخ اتحاد شوروی تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) و دولت شوروی قهرمانانه از نظام و میهن سوسیالیستی شان به فاع برخاستند. کمونیستها در صف مقدم جبهه جنگ قرار گرفته و بیشترین تلفات را کمونیستها و خلقهای اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم متحمل شدند. در جریان جنگ جهانی دوم با آنکه قدرتهای امپریالیستی در "جبهه متحد ضد فاشیسم" که اتحاد شوروی نیز در آن شرکت داشت از خرابکاری علنی برضد اتحاد شوروی خود داری می کردند؛ لیکن همه آنها خواهان تضعیف و یا شکست کشورشوراها در جنگ با فاشیستهای نازی هتلری بودند. در جریان جنگ جهانی دوم کمونیستها و کارگران و دهقانان و نیروهای مترقی و آزادی خواه در کشورهای اروپای شرقی با کمک بیدریغ کشورشوراها و ارتش سرخ بعد از شکست و طرد سلطه فاشیسم و سرنگونی طبقات ارتجاعی داخلی دولتهای دموکراتیک توده ای و نظامهای سوسیالیستی تشکیل داده و خلقهای این کشورها از زیر سلطه امپریالیسم و ارتجاع داخلی رهائی یافته و به آزادی و دموکراسی رسیده و راه رشد و ترقی و رفاه اجتماعی برای آنها میسر گردید.

بعد از شکست خفتبار فاشیستهای نازی و ختم جنگ؛ خلقهای اتحاد شوروی تحت رهبری استالین با جدیت تمام به ترمیم خرابیهای جنگ و اعمار مجدد اقتصاد کشور همت گماشته و در راه ساختمان سوسیالیسم مساعی زیادی بخرج دادند. رفیق استالین ساختمان سوسیالیسم را مدبرانه رهبری کرد و در مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی در درون حزب علیه تروتسکیسم و بوخارن و دیگر اپورتونیستها فایق آمد. لیکن استالین دچار اشتباهات فکری نیز گردید. او صحبت از نابودی کامل عناصر سرمایه داری و یا محوکامل طبقات در اتحاد شوروی نمود؛ در حالیکه عناصر بورژوازی (رویزیونیستها) در درون حزب و در مقامات عالی وجود داشته و خاینانه نقب می زدند. و این واقعیت بعد از وفات استالین در سال (1953) بطور علنی خود را آشکار کرد. استالین ارزیابی نادرست از وجود طبقات و مبارزه طبقاتی در اتحاد شوروی داشت، یعنی به موجودیت تضادهای طبقاتی در دوران سوسیالیسم و به اصل "ادامه مبارزه طبقاتی تحت دیکتاتوری پرولتاریا" توجه نکرد؛ او تضاد را بعنوان قانون اساسی ماتریالیسم دیالکتیک مبنای بحث خود قرار داد؛ این اشتباهات استالین در زمینه فلسفه و بخصوص در مورد مسئله دیالکتیک تبارز داشت. با وجود آن استالین بحیث یک مارکسیست-لنینیست پیگرو دوست خلقهای زحمتکش جهان در کنار دیگر رهبران بزرگ پرولتاریای جهان (مارکس، انگلس، لنین و مائوتسه دون) از مقام و حیثیت شامخی برخوردار است. از اینکه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و بطور خاص سرسختهای ضدانقلابی و دشمن اندیشه های کمونیستی در مورد اشتباهات استالین از جمله شدت عملی که علیه برخی از مخالفین صورت گرفت، بگونه مبالغه آمیز تبلیغات سوء می کنند که ناشی از خصومت ورزی آنها به کمونیسم انقلابی است. اینها هدف دارند تا اذهان کارگران و روشنفکران مترقی مردمی و سایر زحمتکشان جهان را نسبت به کمونیسم انقلابی و انقلاب پرولتری متوهم سازند.

با نگاهی گذرا به تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) و پیروزی انقلاب کبیراکتوبرودوران (عمرحدود سه و نیم دهه) حکومت اتحاد شوروی سوسیالیستی تحت رهبری لنین و استالین؛ کشورشوراها دویاریکی درسال (1918) و دیگری درسال (1941) موردتهاجم قدرتهای امپریالیستی قرارگرفته و درحمله دوم (جریان جنگ جهانی امپریالیستی دوم) بخش اعظم دست آوردهای مادی خلقهای اتحادشوروی سوسیالیستی به نابودی کشیده شد و حدود 22 میلیون تن ازکارگران و دهقانان و کمونیستهای اعضای حزب کشته شدند که این درموردش ضایعه جبران ناپذیری برای کشورشوراها بود. اما در هر دو مورد پرولتاریا، کمونیستها، دهقانان و سایر زحمتکشان اتحاد شوروی تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) با اتکا به نیروومنابع و ابتکار خودشان به سرعت تمام به ترمیم ویرانیها در عرصه های مختلف جامعه پرداخته و به راه رشد و ترقی و تکامل ادامه دادند. این یک موضوع عادی نبوده و نیست. این امر رابطه دیالکتیکی به آگاهی و اراده و نیروی خلاق خلقها و ماهیت انقلابی خط ایدئولوژیک- سیاسی رهبری کننده در نظام سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا دارد. همه این مسایل بشکل حیرت انگیزی در مدت زمان کوتاه صورت گرفته اند که این خود ثبوت دیگری بر ماهیت و خصلت کمونیسم انقلابی منحصیث یگانه راه نجات خلقها و بشریت از سلطه و ستم و استثمار وحشیانه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر نظامهای استثمارگرو ستمگر، می باشد.

بعد از وفات رفیق مائوتسه دون در سال 1976 میلادی نظام سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا در چین توسط رویونیستهای «سه جهانی» طی یک کودتای رویونیستی ضدانقلابی سرنگون گردید. از آن زمان تاکنون هیچ کشور سوسیالیستی در جهان وجود ندارد. سرمایه داری جهانی و امپریالیسم فروپاشی سوسیال امپریالیسم «شوروی» را «مرگ کمونیسم» اعلام کردند. از جهت دیگر «روشنفکران» ای که روزی رفیقان نیمه راه جنبشهای انقلابی پرولتاری در کشورهای مختلف جهان بوده و به اندیشه های انقلابی کمونیستی بی باور شده اند، بادیکتاتور رویونیستها و اپورتونیستها و تسلیم طلبها با امپریالیسم و ارتجاع بین المللی همصدا شده و با وراجی و سفسطه گوئی اندیشه های کمونیستی را «ناکارآمد» خوانده و توده های خلق را نسبت به کمونیسم انقلابی و پیروزی انقلابات پرولتاری در آینده متوهم می سازند. در حالیکه برخلاف ادعای امپریالیسم و ارتجاع جهانی، آنچه در «اتحاد شوروی» در اوایل دهه نود قرن بیستم میلادی فروپاشید سرمایه داری دولتی و نظام سوسیال امپریالیستی بود. و برخلاف لجن پراکنیهای مغرضانه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی، کمونیسم انقلابی زنده است و حقانیت آن در قرن بیستم در عمل به ثبوت رسید و در چندین کشور جهان انقلابهای پرولتاری به پیروزی رسیده و دیکتاتوریهای پرولتاریا و نظامهای سوسیالیستی از جمله در اتحاد شوروی تحت رهبری لنین و استالین و در چین تحت رهبری مائوتسه دون ایجاد شدند و خلقهای این کشورها به آزادی و دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی و رفاه رسیده و در عرصه های مختلف حیات اجتماعی به پیشرفت های مهمی دست یافتند. به یقین که با مبارزه انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی بار دیگر انقلابهای پرولتاری به پیروزی رسیده و دیکتاتوریهای پرولتاریا و نظامهای سوسیالیستی در عرصه جهان ظهور خواهند کرد.

نظام سرمایه داری یک نظام طفیلی و محتضراست و بر ستمگری و استثمار و غارتگری و چپاول خلقها و ملل استوار است. بحران ذاتی نظام سرمایه داری است. در شرایط بحرانی اقتصادی متناوب میلیونها کارگر و خانواده های شان دچار فقر و مسکنت شدیدی می شوند. کشورهای سرمایه داری در شرایط هرنوبت بحران اقتصادی ارتش ذخیره بیکاران را بوجود می آورند که منبع بزرگی برای کسب ارزش اضافی برای آن ها است. تحت این نظام غارتگر هیچگونه تضمینی حتی برای فروش نیروی کار کارگران در هیچ کشور سرمایه داری وجود ندارد. در کشورهای سرمایه داری فقط مستی ارسطوکرات کاری

از قبل غارتگری سرمایه های امپریالیستی از کشورهای تحت سلطه آنها، امتیازاتی دریافت کرده و از رفاه برخوردار اند.

یگانه راه نجات خلقهای زحمتکش جهان کمونیسم انقلابی است. هر چند امپریالیسم و ارتجاع بین المللی با در اختیار داشتن دستگاههای عریض و طویل نشراتی شان و اجیر کردن «روشنفکران» مرتجع و ضدانقلاب به سمپاشی و لجن پراکنی علیه کمونیسم انقلابی و اغفال و گمراهی خلقهای زحمتکش ادامه دهند، باز هم نمی توانند در درازمدت به این اهداف شوم شان دست یابند. زیرا تا استثمار و ستم وجود داشته باشد مقاومت و مبارزه علیه ستمگران و بهره کشان در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. بحکم علم انقلاب پرولتری تضاد بین خلقها و طبقات ارتجاعی و امپریالیسم تضاد آشتی ناپذیر است و یگانه راه حل آن برای خلقهای زحمتکش جهان سرنگونی سلطه و حاکمیت طبقات ارتجاعی داخلی و نابودی سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و تأسیس دولت دموکراتیک خلق و نظام سوسیالیستی می باشد. تحقق این مامول با مبارزه انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) امکان پذیر است. پیروزی انقلابهای پرولتری در قرن بیستم از جمله پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر نشان داد که این وظیفه و رسالت کمونیستهای انقلابی در کشورهای مختلف جهان است تا همزمان با پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و افشای چهره های ننگین انواع رویونیسم و اشکال اپورتونیسم این خادمین نظام سرمایه داری، اندیشه های رهائی بخش کمونیسم انقلابی را به پرولتاریا و سایر توده های خلق انتقال داده و شرایط ذهنی انقلاب را در کشورهای شان آماده سازند.

- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم!

- پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش جهان!

- نابود باد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع!

- مرگ بر انواع رویونیسم و اشکال اپورتونیسم این دشمنان نقابدار کمونیسم انقلابی!

25 اکتوبر 2018

(پولاد)